



هنر

نمی‌خواستم نقاش شوم

برای آنها که نمی‌دانند

و سند میان ناتنتر رسمی و تجری

پرینتهای تلویزیون



سینما و ادبیات

گفت‌وگو با احمد میراحسان

تاملی درباره سینما و معنویت

داد و ستد مجموعه از میراث عرفانی

انتشار رمان صدام در ژاپن

۱۶

۱۷

فرهنگ و هنر

اندیشه و تاریخ

عدالت، سیاست، دولت

تحلیل موسیقی رساله شفا ابن سینا

از گرگان تا خوارزم

ترور ناصرالدین شاه

روسیاته

آن لاین

فیروز گوران:

در این حرفه می‌مانم

حرفه‌ام را، روزنامه‌نگاری را، خودم انتخاب کردم. من دستفروش بودم. حادثه، سرکوب و جمع‌آوری دستفروشان میدان توپخانه و خیابان ناصرخسرو تهران (حدودسال ۱۳۳۶ یا ۳۷) من را به این فنیای دانه‌دار سرکوب کشاند. در آن سال‌ها، در دبیرستان ناصرخسرو تهران درس می‌خواندم. تنها زندگی می‌کردم و بدون سرپرست. مخارج تحصیلی و زندگی روزانه‌ام را از راه دستفروشی تأمین می‌کردم، به اقتضای زمان و وقت و فصل تغییراتی در شغل‌م می‌دادم. ظهرها که از دبیرستان بیرون می‌آوردم، به پاکت‌های فال‌نامه‌را در داخل پیراهنم بیرون می‌آوردم و به قهوه‌خانه‌ها می‌رفتم. گاه، ۱۰ شاهی – یک قران – فروش داشتم، گاهی هیچ. بری گشتم دبیرستان. عصرها در خیابان ناصرخسرو یا سه توری پیاده‌روی روزنامه‌کیهان و اطلاعات می‌فروختم. گاه از روزنامه‌فروشی‌هایی که اجاره‌میز داشتند به‌خاطر تجاوز به حریم فروش آنان تنگ می‌خوردم. با تماشاای یک فیلم در سینما در کوهپایه‌ی خیابان لاله‌زار، تصمیم گرفتم در آینده وکیل دادگستری شوم. در آن فیلم خارجی که به فارسی دوبله شده بود، یک وکیل باعث نجات یک جوان متهم به قتل شد که بی‌نگاه در زندان بود. آخر فیلم هم تماشاچیان برای وکیل دست زدند. من هم دست زدم و هورا کشیدم. تصمیم گرفتم وکیل دادگستری شوم و از بی‌نگاهان دفاع کنم. مدتی بعد دچار بیماری کیست کبدی شدم و نزدیک به سه ماه در بیمارستان هزار تختخوابی بستری شدم. در این مدت ملاقاتی نداشتم. در ساعت‌های اداری از ۸ صبح تا ۱۲ ظهر به دلیل حضور رئیس بخش و حضور دکترها به بیماران رسیدگی می‌کردند و اگر پرسنار را صدم می‌کردی جواب می‌داد. بعدازظهرها و شب‌ها اوضاع بسیار بد و آشفته بود. به بیماران رسیدگی نمی‌شد. به ندرت رئیس بخش بیمارستان سر زرده ساعت ۸ شب به بخش می‌آمد و دوباره نظم حاکم می‌شد. اینجا بود که تصمیم گرفتم دکتر بشوم. رئیس بخش بشوم و نظم را در همه شبانه‌روز در بیمارستان حاکم کنم. یک روز دایب تابستان بود. اول خیابان ناصرخسرو کنار راهرو و زیرزمینی بساط آب‌یخ فروشی داشتم. سرمایه‌ام یک چهارپایه بود، با یک منب آب، چند لیوان بزرگ چیده روی آن و سه چهار قالب یخ. پاسبان‌ها، با باتوم به سمت من هجوم آوردند و سرکوب و جمع‌آوری بساط‌ها شروع شد. قرار بود چند ساعت دیگر، «آقا» – نخست‌وزیر وقت – برای بازدید از راهرو و زیرزمین توپخانه به این محل تشریف‌رما شوند. دو سه عابر تشنه‌بل داشتند آب یخ می‌خوردند. پاسبان‌ها آب یخ را ندادند و رفتند. یا آن‌که کوچکم منبع پر از آب را ب‌ هوا بلند کردم تا بر روی پاسبان‌ها بکوبم که با لگد پاسبان‌ها، من و منبع آب توی پیاده‌رو ولر شدیم. مردم جمع شده بودند تماشا می‌کردند، همه لیوان‌ها شکسته بود. پاسبان‌ها جمعیت را متفرق کردند و بساط من را هم جمع کردند و بردند. از زمین که بلند شدم چشمم به یک مرد مسن شیک‌پوش افتاد که دست یک نوجوان را در دستش داشت. نوجوان را که دیدم بسیار خجالت کشیدم. او سال دوم یا سوم در دبیرستان ناصرخسرو هم‌کلاسی من بود. تا آن زمان کسی از هم‌کلاسی‌هایم نمی‌دانست من فلامنه‌فروش هستم و درس هم می‌خوانم. نمی‌دانم چرا خجالت می‌کشیدم. رئیس دبیرستان و تعدادی از دبیران این را می‌دانستند مدتی پیش یکی از دبیران در زنگ تفریح در دفتر دبیرستان به ناظم شکایت کرده بود که گوران یقه پیراهنش کثیف است. ناظم من را به دفتر احضار کردو در حضور دبیران سبلی محکمی خواندند به گوشم که باورم پیراهنم را عوض کنم. موقع سبلی خوردن به دور خودم خرخچیدم و ناگهان پیراهن از شلوarm در آمد و فلامنه‌ها و تصنیف‌ها ریخت روی کف اتاق. نمی‌دانم چرا ب‌هم محالیت کشیدم. بعد از یورش پاسبان‌ها به ناظر هجوم پاسبان‌ها بود برای پادویی به چاپخانه‌ای که در اختیار داشتند معرفی شدم؛ میدان توپخانه، اول خیابان باب‌همایون. روزنامه مهر ایران در این چاپخانه چاپ می‌شد. مدتی پادو بودم. ظهرها که از دبیرستان می‌آمدم اینها پول می‌دادند به من که بروم پیرایشان ناهار بخورم و شب‌ها شام. چاپخانه تمام وقت من را می‌گرفت. ظهر سر کار، بعدازظهر تا نیمه‌شب سر کار. دیگر فرصت نمی‌کردم درمیان بارم‌رو کنم. از پادویی در چاپخانه – جای بیار، جای پیر، سبگار یخ – ارتقا پیدا کردم. بعدها حرف‌فچن شدم، بعدها مصحح روزنامه. در این چاپخانه و این روزنامه بود که با مسئله مطبوعات آشنا شدم. سال‌های آخر دبیرستان بودم که با مسائل سیاسی هم آشنا شدم. در مسائل مطبوعاتی و روزنامه‌نگاری فقط در حد آشنایی، در مسائل سیاسی هم فقط در حد آشنایی. آشنایی با مطبوعات به این معنا که فهمیدم «خبر» یعنی چه، خبر رُذن و خبر خوردن مطبوعات و تیراز آوردن یعنی چه. بعدها به روزنامه‌کیهان رُقم و در قسمت شهرستان‌های این روزنامه مشغول به کار شدم. بعد از چند سال به اصطلاح کمی مطبع شدم. فکته‌های از صفحات عمومی کیهان را داشتم با عنوان «شهرها و نکه‌ها»، در صفحه‌مقالات هم که از صفحات مهم روزنامه‌کیهان بود گاه مقاله می‌نوشتیم. در این سال‌ها که تقریباً تا حدی مطبع شده بودم و عضو سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات هم شده بودم، روزنامه‌نگاری را بیشتر نیش زدن و انتقاد کردن از مسئولان می‌دانستم تا آگاه کردن مردم. از مسئولان و بلندپایگان حکومت نمی‌دانم انتقاد نکرد. مشکلات و مسائل کوچک و کم‌اهمیت مردم را بزرگ می‌کردم. زمانای حد بسیار کمی متوجه نقش روزنامه‌نگار در مطبوعات شدم که در زندان شماره ۴ و قصیر تهران زندانی بودم. این نقش و اهمیت حرف‌ام در زندان عادل‌آباد شیراز بیشتر برام روشن شد. در سال‌های ۵۷ و ۵۸، روزنامه‌ای که کار می‌کردم، تعطیلش کردند، با نقش و اهمیت این حرفه پزلاطم کاملاً آشنا شدم. اما من تصمیم گرفتم حتماً فقط و فقط در همین رشته بمانم و به کارم ادامه دهم. سردبیری مجله‌ای ماهانه را به عهده گرفتم. خط صاحب‌انیتنازش مورد قبولم نبود، بیکار شدم. سردبیری مجله ماهانه دیگری را به عهده گرفتم، «جامعه سالم»، تعطیل شد، بیکار شدم. حالا من روزنامه‌نگار هستم و بیکار، اما بسیار شادمان از حرفه‌ای که دادم. در این حرفه می‌مانم، در این حرفه می‌میرم. اگر می‌روم، گر نروم نیستم. آنچه که می‌گویند، آنچه که می‌نویسیم، ماندگارند. نسل بعدی می‌خواند.

منبع: میراث خبر



بالاخره پس از ماه‌ها بحث و گفت‌وگو (به معنای مفاهمه و آشتی) با نمونه‌هایی از جریان‌های حزبی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، درباره رادیوگفت‌وگو که نظرشان درباره این رادیو چیست و پاسخ‌های نزدیک به هم با متفاوت و گاه معارض هم درباره این رادیوی جدید و بی‌سابقه، بلافاصله پس از زنگ ساعت ۱۸ فردا چش‌ه‌شنه‌ی، می‌توان صدای این رادیو را روی موج FM ردیف ۷/۱۰۳ مگاهرتز (همان ایستگاهی که رادیو سلامت بخش می‌شود) شنید و با شنیدن آرم رادیوگفت‌وگو احساس کرد که از همان لحظه، آماده ارتباط‌گیری با همه اندیشه‌های موجود در جامعه ایران است. اگر «گفت‌وگو مصاحبه و میزگرد و مناظره» طی ۲۷ سال پس از انقلاب، در لایه‌ای برنامه‌های صدا و سیما، گاه‌گاه و با فاصله از یکدیگر و به‌طور پراکنده یا به‌مناسبت‌هایی مثلاً هنگامه انتخابات، ضبط یا به‌طور زنده بخش می‌شد اما از ساعت شش عصر فردا، یک شبکه رادیویی همزمان با برگزاری فتمتین‌کنسوتواره رادیویی، رسماً کار خود را با نام زبای گفت‌وگو (و فعلاً با بخش شش ساعت در روز) آغاز می‌کند. رادیویی که قرار است با سعه صدر، پوشش‌دهنده صداهای مختلف جامعه ایران باشد و یکی دیگر از علایم چندصدایی گفت‌وگو به‌زودی در معرض قضاوت مخاطبان خاص خود قرار می‌دهد.

عصر فردا، می‌توان طعم شکلات این شبکه رادیویی را چشید و احتمالاً تفاوت بازی تازه‌تا واقعیت محتوای «گفت‌وگو» را از این شبکه محلی یا دولتی یا ملی با چند جلسه شنیدن دریافت.

امیدوار و تریک‌گویان، راس ساعت شش عصر فردا، «شنونده» رادیوگفت‌وگو می‌شویم.

توسعه، دموکراسی و اهمیت رسانه‌های جمعی

امیر ترقی‌نژاد

وسایل ارتباط جمعی به عنوان یکی از نظام‌های فرعی جامعه، متأثر از نظام اجتماعی‌اند و موفقیتشان در جلب مشارکت مردم در چارچوب نظام حاکم بر این وسایل قابل ارزیابی است. این موفقیت مشروط به وجود نظام مردمی و ثبات آن به عنوان پیش‌شرط لازم برای ایجاد وحدت و عامل زمینه‌ساز مشارکت‌های اجتماعی است. انتظار موثر واقع شدن پیام‌رسانه‌های همگانی در جلب حمایت و مشارکت مردم در امر ارتباطی، برنامه‌های توسعه ملی در صورت فراهم نبودن زمینه‌های لازم برای مشارکت، تعلیق به محال است، حال آنکه رسانه‌ها قانند در فضایی مردمی، در مجموعه‌ای از عوامل هماهنگ، در مشروعیت بخشیدن به نظام و ایجاد باور میان توده‌ها در حاکمیت و در نهایت ترغیب و تشویق مردم به مشارکت بیشتر در امور موثر واقع شوند. عدم توجه به این واقعیت رسانه‌های جمعی را به دستگاه‌های ارتباطی و فاقد کارایی لازم و متناسب با جامعه متحول رو به توسعه تبدیل خواهد کرد. مطرح شدن وسایل ارتباط جمعی به عنوان چهارمین رکن حکومت دموکراسی در کنار ارکان سه‌گانه مکتد، قضائیه و مجریه خود بهترین نشانۀ رابطه میان آنها و نظام مردمی است که با توجه به آن، اگر مشارکت به مفهوم مورد نظر را لازمه توسعه ملی و از تبعات نظام مردمی و ثبات نظام مردمی را متأثر از مشروعیت و موثر بودن نظام و در عین حال موثر بر آن بدانیم، دور خوشبختی‌ای از این روابط حاصل می‌شود که موفقیت رسانه‌های جمعی تابعی از آن و در عین حال موثر بر سرعت آن خواهد بود.

رادیوگفت‌وگو فردا افتتاح می‌شود

مسعود پیوسته

ساعت شش عصر فردا، شاید برای بسیاری از نخبگان و روشنفکران جامعه ایران (البته فعلاً استان تهران) ساعت جالبی باشد. چون قرار است راس چنین ساعتی اتفاقی در «رسانه ملی» رخ نماید که طی دوران پس از انقلاب (به لحاظ توالی گفت‌وگو) کم‌نظیر یا شاید هم بی‌نظیر بوده است. اگر طی این سال‌ها، صاحبان افکار، اندیشه‌ها، احزاب، افراد و جمعیت‌ها و... به خصوص نوع غیر دولتی آن، همواره (یا گاهی) با معضل «بی‌تربیتی» مواجه بوده‌اند و یا تیغ سانسور را در رسانه‌ها بر بالای سر خود، کمابیش حس کرده و برخی بر اثر تمرین خود سانسوری، عموماً «کم‌مسئله» طی طریق می‌کرده و با مخاطبان خود ارتباطی دست و پاشکسته داشته‌اند اما از عصر فردا (۲۷ اردیبهشت ۸۵ – روز جهانی ارتباطات) قرار است اتفاق مبارک گفت‌وگو در رسانه دولتی با نام talk radio یا همان رادیوگفت‌وگو رخ دهد که پیشتر، هرگز دامنه بحث آن به این فراخی نبوده است و اتفاقاً مخاطبان این رادیو (دوازدهمین شبکه رادیویی جمهوری اسلامی ایران) در وهله نخست، نخبگان و روشنفکران جامعه ایران و بعداً در جهان (اعم از دینی و عرفی) هستند. رخدادی که در تداوم سیاست کمی‌سازی صدا و سیما (به لحاظ تعداد شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی) این بار در تکاپوی کنفی‌سازی به معنای «تفاوت‌گویی» است.

مرحوم منوچهر آشتی تقدیر به عمل آورد و با راه‌اندازی اخبار ۲۰/۳۰ تنوع به فرم و محتوای دمت کم یک بخش خبری دهد (هر چند برخی صاحبان اندیشه و نظر معتقدند تا سه‌ماه اول موفق بود) و مهمتر آنکه از روز ریاستشش تا فردا از هیچ مطبوعاتی شکایت نکنند. اما نمی‌توان این سو را دید و آن‌سوی فشار قوه مجریه بر این رسانه را ندید. چه، وی با ۲۳ بند سفارشی از سوی رئیس قوه مجریه و در عین

حال رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی مواجه است که می‌باید مجری این توصیه‌ها نیز باشد. توصیه‌هایی که بیشتر بخشنامه می‌نمایند و انگار «رسانه ملی» یکی از زیرمجموعه‌های قوه مجریه است! توصیه‌هایی نظیر قطع موسیقی غربی و پاپ و تقویت موسیقی ایرانی و توجه نظرات بیشتر بر وضعیت سرپال‌ها و فیلم‌ها که از آن شائبه‌ای از سکولاریسم، لیبرالیسم، لانیسم و نهیلیسم استخراج نشود و تا شش ماه دیگر رسانه ملی نتیجه فعالیت هایش را روی میز رئیس‌جمهور قرار دهد. (هر چند به‌رغم آنکه سه‌ماه از این فرصت باقی است هنوز هیچ پاسخ رسانه‌ای شده‌ای از سوی صخرغرامی به این توصیه‌های ۳۳گانه داده نشده است.) اما رئیس رسانه ملی، تازه‌ترین رفتار رسانه‌ای‌اش را در قالب رادیویی چندصدایی گفت‌وگو به‌زودی در معرض قضاوت مخاطبان خاص خود قرار می‌دهد.

عصر فردا، می‌توان طعم شکلات این شبکه رادیویی را چشید و احتمالاً تفاوت بازی تازه‌تا واقعیت محتوای «گفت‌وگو» را از این شبکه محلی یا دولتی یا ملی با چند جلسه شنیدن دریافت.

امیدوار و تریک‌گویان، راس ساعت شش عصر فردا، «شنونده» رادیوگفت‌وگو می‌شویم.

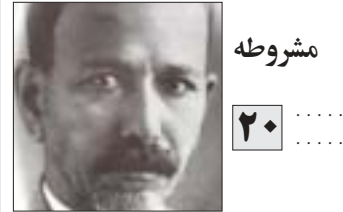
علاقه‌مندان به رادیو در ایران علاوه بر دسترسی به شبکه‌های فارسی داخلی می‌توانند از طریق رادیویی خود اموچی‌را دریافت‌کنند که فارسی اما ییگانه‌اند. رادیو از جمله راه‌های مناسب و موثری بود که ییگانگان در دهه‌های گذشته و قبل از رواج دیگر رسانه‌ها مثل تلویزیون و اینترنت از آن برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی ایرانیان بهره‌می‌بردند. همین امر باعث شد تا رادیو در ایران به غیر از رقابت با دیگر رسانه‌های چاپی و الکترونیک مجبور باشد با شبکه‌های دیگر رادیویی به رقابت بپردازد. «بی‌بی‌سی» اولین صدای ییگانه‌ای بود که در ایران شنیده شد. بخش فارسی بی‌بی‌سی در ۲۸ دسامبر سال ۱۹۴۰ میلادی (۵دی ۱۳۱۹)، یعنی حدود هشت ماه بعد از تأسیس رادیو در ایران، کار خود را با پخش یک ساعت برنامه در هفته آغاز کرد. امروز بخش فارسی بی‌بی‌سی هر هفته بیش از ۹۰ ساعت برنامه به زبان فارسی دارد که در صدر آن اخبار و تفسیر تحولات جهان ایران و منطقه است. «صدای مسکو» دومین رادیوی ییگانه بود که امواجش به خصوص در نواحی شمالی به ایران رسید. رادیو مسکو برای اولین بار در ۲۳ ژوئن سال ۱۹۴۱ یک روز پس از حمله آلمان به اتحاد شوروی به زبان فارسی «سخن» نیز موجه‌شده است. پادکست (Podcast) یا رادیو اینترنتی، شیوه‌ای برای انتشار منظم صوت روی اینترنت است و ترکیبی از فناوری MP3 و مکانیزم RSS در اختیار کاربر قرار می‌دهد. به همین دلیل برخی کارشناسان پادکست را وبلاگ صوتی نیز نامیده‌اند. این پدیده ماندوبلاگ، ماهیت رسانه‌ای دارد و با توجه به سهولت دسترسی عموم افراد برای ایجاد پادکست و با استفاده از آن می‌تواند تحولی چشمگیر در عرصه رسانه ایجاد کند. این شیوه از انتشار گفتار به خصوص در توضیحاتی که اینترنت پرسرعت (ADSL) به آسانی در دسترس کاربران است، بیشتر طرفدار دارد. این رسانه جدید در میان کاربران ایرانی اینترنت نیز علاقه‌مندانی دارد و بسیاری از وبلاگ‌ها و سایت در کنار انتشار مطالب به صورت مکتوب به ارائه صوتی اطلاعات و اخبار نیز روی آورده‌اند.

رادیو، این تنها رسانه غیرچاپی فراگیر دهه‌های گذشته اگر چه در سال‌های اخیر به هی‌مهری به گوشه‌ای رانده شده اما باز هم کاراتر از بقیه رسانه‌ها است. در مناطق دورافتاده و در جاهایی که دیگر رسانه‌ها به واسطه‌بعدسافت و نبود امکانات، محالی برای حضور ندارند و حتی در شهرهای بزرگ و کوچک، وقتی در حین رانندگی یا کار روزانه محالی برای روزنامه خواندن و تلویزیون دیدن نیست، این رادیو است که می‌تواند رابط بین ما و دنیای رسانه باشد. البته با وجود رقای رسانه‌ای دیگر و همچنین رادیوهای فارسی زبان ییگانه – و البته غیر ییگانه – لازم است تا مسئولین رادیو، هم برای بالا بردن کیفیت و به روز کردن برنامه‌ها و هم برای تبلیغ و معرفی دوباره رادیو به عنوان یک رسانه فراگیر و کارآمد، فکری بیندیشند تا در این رقابت رسانه‌ای، بیش از این از رقای خود عقب نماند.

پنجره خبر کیوسک روزنامه‌فروشی باصدا

محمدرضا طواری

به‌همزمان با توضیحات بیشتر دراختیار آنان قرار دهد تا دیگرسو تأثیر صدا و صورت بر روی افکار عمومی بر هیچ‌کس پوشیده نیست تأثیری که از دریا‌ز مورد استفاده بسیاری از مهندسان و طراحان روابط اجتماعی قرار گرفته است و این تأثیر همیشگی و ماندگار است یکی دیگر از ویژگی‌های این برنامه‌پرداختن به مطالب ستون‌های مردمی مطبوعات است و به نوعی مطالبات، نیازها و پیشنهادات مردم که در جراید به چاپ می‌رسد از طریق رادیو به صدا تبدیل می‌شود و به نوعی به گوش بسیاری از مسئولان محترم می‌رسد تا در زمینه‌پگیری آنها اهتمام بیشتری لحاظ شود. در این برنامه همه مطبوعات کشور به دور از جناح‌بندی‌های رایج سیاسی در کشور حضور دارند، به نوعی که تا به حال هیچ‌گونه محدودیتی در این زمینه نبوده و نخواهد بود. حضور مدیران مسئول روزنامه‌هایی مانند: کیهان، شرق، اطلاعات، رسالت، سیاست روز، همبستگی، اعتماد، قدس، ابرار، ایران، ابتکار و غیره موید این مطلب است. روزنامه‌های ورزشی مانند: نود، خبر ورزشی، ابرار و ورزشی و ایران ورزشی نیز به نوعی به تحولات مهم ورزشی از زاویه دید و نگاه خبرنگاران و مدیران مسئول این جراید می‌پردازند چرا که اصولاً این حوزه بیشترین مخاطب خود را در بین جوانان و نوجوانان می‌بیند. روزنامه‌های اقتصادی مانند: جهان اقتصاد، دنیای اقتصاد و غیره نیز با توجه به مناسب‌های روز اخبار اقتصادی را به اطلاع جوانان می‌رساند. این برنامه‌ها در زمینه جنبش مشارکت مردمی و هماهنگی و همراهی این دو را در ارائه اخبار و اطلاعات حضور عوامل انسانی مطبوعات در رادیو تحول جدیدی است که به نوعی پیوندگهشکان کوتنبرگ و کهکشان مارکونی است. پیوند دو رسانه مکتوب و شنیداری می‌تواند نوعی هماهنگی و همراهی این دو را در ارائه اخبار و اطلاعات لازم از طریق وفاق و همدلی فراهم آورد چون زمانی که مردم در مقابل کیوسک روزنامه‌فروشی قرار می‌گیرند به واسطه عوامل مختلفی چون زمان و هزینه قادر به تهیه و خرید همه روزنامه‌ها نیستند اما محیلی مایند که برگزیده‌ای از تمامی اخبار جراید کشور را آن‌هم از طریق صدای این جراید بشنوند. در حقیقت برنامه پنجره خبر نوعی کیوسک روزنامه‌فروشی باصدا را دراختیار مخاطبان قرار می‌دهد. از دیگر سو توانایی همه جوانان و آحاد کشور برای تهیه جراید کشور فراهم نیست چرا که بسیاری از روستاها و شهرهای کوچک توانمندی لازم را جهت ارائه همه‌جانبه‌گستر ندارند لذا برای برنامه پنجره خبر این امکان را فراهم می‌آورد که مجموعه‌ای قابل قبول و مورد نیاز از اخبار تحولات گوناگون کشور به صورت یکسان



مشروطه

قرارداد ننگین

روزنامه چی مشروطه



خبرها

رسانه‌های مدرن به‌درک و دانش مدرن نیاز دارند

ایستنا: یک روزنامه‌نگار و مدرس ارتباطات معتقد است: برای توسعه رسانه‌های مدرن باید درک و دانش مدرن از آنها داشت؛ نه این‌که تنها بر مهارت‌های استفاده از آن تکیه کرد. دکتر یونس شکرخواه اظهار داشت: وین کراسبی– محقق ارتباطات– معتقد است که رسانه‌ها در مفهوم امروزی به اشتباه نام‌گذاری شده‌اند و بیشتر ناقل و حامل هستند. او افزود: این محقق در طبقه‌بندی که ارائه داده، به سه سطح رسانه به مفهوم واقعی اشاره کرده است و آب، زمین و هوا را رسانه‌های اصلی می‌داند؛ به عنوان نمونهٔ انسان‌ها می‌توانند بدون آن که به تکنولوژی نیازمند باشند، به آسانی بر روی زمین حرکت یا در آب شنا کنند، البته با ابداع وسایلی مانند پل و هواپیما انسان‌ها توانمند شده‌اند و همین‌جا بشوند. این مدرس ارتباطات ادامه داد: کراسبی برای هر یک از این رسانه‌ها و نقاط قوت و ضعف‌هایی را ذکر کرده است؛ در زمین به عنوان رسانه نمی‌توان جایه‌جایی بسیاری ایجاد کرد، اما این قابلیت وجود دارد که کالاها را خانه به خانه تحویل داد؛ در مقابل در دریا حجم‌های بسیاری جابه‌جایی شوند، اما برخلاف زمین، نمی‌توان کالاها را خانه به خانه توزیع کرد، اما در هوا این محدودیت‌ها وجود ندارد، چراکه هواپیما سبب شد تا نقاط قوت زمین و آب، در هوا جمع شود و نقاط ضعف این دو رسانه از بین برود. در عقیده شکرخواه، وضعیت رسانه‌های امروزی را می‌توان بر اساس طبقه‌بندی کراسبی مقایسه کرد، به عنوان نمونه ابتدا رسانه‌های چاپی که ایستگاه تلویزیونی برای جمع وسیعی از بینندگان وجود داشت. او افزود: تصور می‌کنم رسانه‌های مدرن حالت بسیار به بسیار دارند، در واقع رابطه جمع با جمع هست، بنابراین در اولین نگاه به این رسانه‌ها، نباید مسئله مهارت‌کاربران در رسانه مدرن با درک و دانش رسانه مدرن اشتباه گرفته شود. از این رو مهارت‌ها همان مسائلی است که درباره آن‌لا یین ژورنالیسم گفته می‌شود و فرد باید مسلط به خبرنویسی ویرای وپ باشد و یا با نرم‌افزارهای وب‌پای‌لود کردن تصاویر و فایل‌ها به‌طور کامل آشنایی داشته باشد؛ اما آنچه مهم است، درک مدرن از این رسانه‌ای می‌تواند به این‌گونه قدرت آن‌شود، به عبارت دیگر، باید به رسانه مدرن همان نگاه داشت که کراسبی به مقوله هواپیما دارد، رسانه مدرن، ارتباط جمع به جمع را فراهم کرده است و توانسته از اعماق خود، متون را به یکدیگر متصل و رابطه‌دانشی تازه‌ای را ایجاد کند، از همین‌دین‌دین نیست، این رادیو است که می‌تواند رابط بین ما و دنیای رسانه باشد. البته با وجود رقای رسانه‌ای دیگر و همچنین رادیوهای فارسی زبان ییگانه – و البته غیر ییگانه – لازم است تا مسئولین رادیو، هم برای تبلیغ و معرفی دوباره رادیو به عنوان یک رسانه فراگیر و کارآمد، فکری بیندیشند تا در این رقابت رسانه‌ای، بیش از این از رقای خود عقب نماند.

نمایشگاه مطبوعات سال آینده بین‌المللی و مستقل برگزار خواهد شد

فارس: معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد گفت: با توجه به رشد قابل توجه بخش کتاب و مطبوعات، نمایشگاه مطبوعات سال آینده مستقل و بین‌المللی برگزار خواهد شد. علیرضا مختارپور افزود: معاونت مطبوعاتی دست‌اندرکار طراحی نمایشگاه سال آینده مطبوعات به صورت مستقل از کتاب و به صورت بین‌المللی است تا به رویداد بزرگ فرهنگی در کشور تبدیل شود. وی گفت: برهمین اساس با دعوت از مطبوعات و خبرنگارهای کشورهای مختلف خصوصاً اسلامی در این باره توجه ویژه‌ای خواهیم کرد.

روزنامه‌نگاران

– باید – در راه استقلال حرفه خود بکوشد

ایستنا: پدیر علوم ارتباطات ایران گفت: ازرو دارم در سال۸۵، مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی به پشرفت‌های بیشتری نایل شوند و آزادی رسانه‌ها بیشتر مورد توجه قرار گیرد. دکتر کاظم معتمدنژاد اظهار داشت: روزنامه‌نگاران باید در راه استقلال حرفه خود بکوشند و بتوانند اقدامات لازم را برای تصویب قانون استقلال حرفه روزنامه‌نگاری و مطبوعات کار روزنامه‌نگاران و همچنین تصویب قانون شورای عالی رسانه‌ها و اجرای اصول اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری با کمک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت کار و امور اجتماعی را انجام دهند. او افزود: بر این اساس در زمینه آموزش روزنامه‌نگاری در دانشگاه، علاوه بر رشته‌های روزنامه‌نگاری و روابط عمومی، رشته مطالعات ارتباطی و فناوری اطلاعات در دانشکده علوم ارتباطات علامه طباطبائی افزوده شده که خوشبختانه از مهرماه امسال آغاز خواهد شد. این استاد ارتباطات خاطرنشان کرد: امیدواریم با توسعه این آموزش‌ها در سال‌های آینده، خلأهایی که در ۲۵ سال اخیر در مورد آموزش تخصصی ارتباطات، به ویژه روزنامه‌نگاری وجود داشت، مرتفع شود و دانشکده ارتباطات با استقلال کامل در فضای مناسب به فعالیت بپردازد. معتمدنژاد درباره راه‌اندازی بابت اطلاعاتی فیلترینگ تصریح کرد: دولت، باید با بررسی قوانین کشورهای دیگر و اسناد حقوقی بین‌المللی در این زمینه، متن قانونی مناسبی را تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی برساند. به عقیده این استاد ارتباطات، این مسئله بسیار حساس است و به ظرافت و دقت بسیاری نیاز دارد؛ چراکه نمی‌توان بدون در نظر گرفتن شرایط جهانی قوانین مرتبط با فیلترینگ را تصویب و اجرا کرد.